

# میزگرد استاد و دانشجو

## چرا بعضی از دانشجویان به محیط آموزشی خود بی‌علاقه هستند؟

علل مهم بی‌علاقگی دانشجویان :

- کمبود استاد ورزیده
- راه نیافتن دانشجویان بدانشکده مورد علاقه

نخستین جلسه میزگرد عصر چهارشنبه - نهم آبان‌ماه - در محل مرکزی انجمن تشکیل گردید . دستور جلسه این میزگرد « بررسی علل بی‌علاقگی دانشجویان به محیط آموزشی » بود .

در این جلسه میزگرد ، وجود دوتسل و دو طبقه کاملاً محسوس بود ، و خانم دکتر آصفی که علاوه بر داشتن مقام ریاست هیأت مدیره و مدیریت عامل انجمن ملی اولیاء و سرریان ، خود دانشیار دانشسرای عالی نیز هستند ، در آغاز جلسه گفتند :

- ما از آغاز که اقدام به برگزاری این جلسات کردیم ، سعی داشته‌ایم شاگردان همان استادانی که در بحث میزگرد

### شرکت کنندگان در جلسه میزگرد «استاد و دانشجو»

استاد دانشگاه تهران آقای دکتر سیروس عظیمی ، استاد دانشگاه ملی - آقای دکتر هوشنگ مشتاقی ، استاد دانشگاه ملی در این جلسه آقایان عالشی ، سرپرست دانشجویان مدرسه عالی ترجمه و رضا صدری رئیس دفتر دانشجویی نیز شرکت داشتند و دانشجویان شرکت کننده در بحث میزگرد عبارت بودند از :

آقای سرکیس آلامیان - خانم سیما امیری - خانم نانا ز برجیس - آقای عباس توحیدی - آقای غلامحسین فضل‌اللهی - آقای فرزین و خانم لیل و حدانی

جلسه میزگرد « استاد و دانشجو » با حضور خانم دکتر آصفه صفی رئیس هیأت مدیره و مدیر عامل انجمن ملی اولیاء و سرریان ایران و آقایان فتح‌اله معتمدی عضو هیأت مدیره انجمن و دکتر حقان معاون وزارت علوم و آموزش عالی تشکیل گردید ، و استادان شرکت کننده در جلسه به ترتیب حروف الفبا عبارت بودند از : آقای دکتر اخوت ، استاد دانشگاه تهران آقای دکتر برهان منشی ، استاد دانشگاه تهران آقای دکتر شکوهی ،



خوشوقتی کردند و بعد به عدم علاقه بعضی از دانشجویان به محیط آموزشی اشاره کردند و گفتند ما که خود در محیط دانشگاه دست اندرکاریم این بی‌علاقگی را خوب حس می‌کنیم ، و اکنون می‌خواهیم در این جلسه بررسی کنیم و به بینیم چه عواملی ممکنست دانشجویی را که با سعی و کوشش و شوق بدانشگاه وارد می‌شود ، کم کم نسبت به درس و تجسس و بیپایان رساندن دانشکده بی‌علاقه می‌سازد ... آیا کادر آموزشی ، برنامه آموزشی ، و یا شرایط خاصی مثلا دوستی پسر و دختر ؟ ....

دانشجویان بیکدیگر نزدیک شوند و نیز مشکلاتی که محققاً موجود است ، توجیه شود ، و با نتایجی که از بحث‌ها و بررسی‌ها گرفته می‌شود و در اختیار مصادرات امور قرار خواهد گرفت ، انجمن سهم کوچک خود را بطور مؤثر و دلخواه در خدمت به ایجاد تفاهم در محیط آموزشی ادا کند .

پس از بیانات خانم دکتر آصفی ، آقای دکتر سیروس عظیمی سرپرست امور آموزشی انجمن و استاد دانشگاه از اینکه آقای دکتر هقدان معاون وزارت علوم و آموزش عالی در این جلسه حضور دارند اظهار -

شرکت می‌کنند ، در جلسه حضور نداشته باشند، و شاگردانی در جلسه میزگرد حاضر باشند که استادان دیگری دارند زیرا لازم میدانیم دانشجویان و استاد بدون احساس محدودیت و ملاحظات ، حرف‌های خود را بزنند و به بحث بپردازند . بهر حال هر استاد و دانشجو ، اگرچه از یک کلاس و یک دانشکده هم نباشند ، با هم مرتبطند و وقتی در اینجا مسائل مورد بحث و توجیه قرار گرفت ، مربوط به همه استادان و دانشجویان میشود . امید آنکه با تشکیل این جلسات استادان و

آقای دکتر حقدان نیز با اشاره به اینکه نوعی بی‌علاقگی در بین عده‌یی از دانشجویان مشاهده می‌شود، گفتند: این بی‌علاقگی تنها در بین بعضی از دانشجویان ایران مشاهده نمی‌شود، بلکه در تمام دانشگاه‌های جهان، این حالت را می‌بینیم، بنظر من، یک علت این امر کثرت تعداد دانشجویان نسبت به گذشته است. ما علاوه بر هزاران دانشجو که در خارج از کشور هستند متجاوز از ۱۲۰ هزار دانشجو داریم که در دانشگاه‌ها و مدارس عالی کشور تحصیل می‌کنند و با توجه به تربیت همگانی، مشاهده می‌کنیم که اغلب آنها بیش از آنچه به واقعیت پردازند به هدف، خودشان که اخذ مدرک است، توجه نشان می‌دهند. البته قبول داریم که سیستم اداری ما، باعث شده جوانان بیشتر بدنبال مدرک بروند. این را هم نادیده نگیریم که در بین همین دانشجویان، افراد نخبه و واقعاً علاقه‌مند به علم و تحقیق وجود دارند. و اینکه مقامات مسئول مشغول تجدید نظر در سیستم استخداسی می‌باشند تا این عامل را که از جوانان فقط بمدرک بیاندیشند، از بین ببرند. ولی فراموش

نکنیم که دانشجوی امروز، خیلی بیش از دانشجوی نسل‌های گذشته اطلاعات عمومی دارد. به‌رحال این را هم بگویم که محیط دانشگاه نمیتواند بر فکر دانشجو بی‌اثر باشد.

خانم وحدانی (دانشجو) علت بی‌علاقگی دانشجویان را مسئله دیگری مطرح کردند، و آن اینکه دانشجویان کمتر میتوانند در رشته مورد علاقه خود تحصیل کنند. دلیل آنهم اینست که در کنکور، ناگزیر چند رشته را انتخاب می‌کنند، تا چنانچه در رشته دلخواه پذیرفته نشوند، به‌رحال بدانشگاه راه یابند. بدنبال آقای وحدانی یکی دیگر از دانشجویان، علت دیگری را هم مطرح ساختند. ایشان گفتند: آن‌گرایشی را که استاد باید در من نسبت به درس بوجود آورد، نمی‌آورد. او مرا راهنمایی نمی‌کند، و فقط برای آنکه کاری انجام داده باشد، سرکلاس حاضر می‌شود و درس میدهد. استاد وقت خود را تا آن حد که باید، در اختیار دانشجو نمیگذارد.

آقای دکتر اخوت، با اشاره به سخنان این دودانشجو اظهار داشتند: با توجه‌یی که اخیراً به این امر شده، همه اساتید

بنحوی مکلف هستند آمادگی شنیدن حرف‌های دانشجویان را داشته باشند. در دانشگاه تهران استاد موظف است در ساعتی از روز در دفتر خود آماده راهنمایی غیراز درس هم باشد. آقای آلامیان (دانشجو)

نوعی نگرانی عده‌یی از دانشجویان را پیش کشید. و گفت: من با عده‌یی از دانشجویان سروکار دارم که آنها نگران دورتی فارغ‌التحصیل شدند، چه خواهند کرد؟ و عده‌یی را می‌بینم که بیکار مانده‌اند.

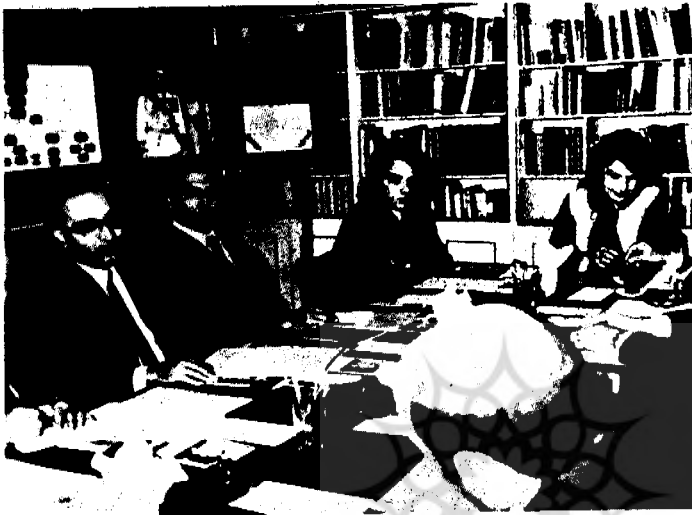
آقای دکتر مشتاقی گفتند: شاهنشاه آریامهر فرموده‌اند مملکت ما به متخصص فن نیازمند است. این عین واقعیت است، اما مشاهده می‌کنیم که همه می‌خواهند لیسانس شوند. هیچ پدری حاضر نیست فرزندش مثلاً با پایان تحصیلات دوره متوسطه، به شغل او بپردازد. ما باید به بینیم احتیاجات جامعه ما در چه رشته‌ایست، و به پرورش افرادی در حد احتیاجاتمان همت گماریم. گرچه ما دانشجویان را راهنمایی می‌کنیم اما این مسئله باید از دبستان و دبیرستان مورد توجه قرار بگیرد.

آقای دکتر حقدان با

مقایسه داوطلبان ورود به دانشگاه در ایران و دیگر کشورهای جهان گفتند :

- کجای دنیاست که ۷۰ هزار فارغ التحصیل دبیرستان داشته باشد و همه ۷۰ هزار نفر هم بخواهند بدانشگاه بروند ؟ ... درحالیکه در انگلستان ۷ درصد و آلمان ۱۲ درصد و آمریکا ۴۰ درصد از فارغ التحصیلان دبیرستان بدانشگاهها میروند . از طرفی ، متأسفانه همه فارغ التحصیلان ما میخواهند با حقوق بسیار خوب ، در تهران هم بکار پردازند ، و هیچکس نیست مثلاً در بلوچستان به خدمت به کشور مشغول شود .

خانم دکتر آصفی ، اظهار داشتند : من در این لحظه نه به عنوان فردی که تدریس میکند ، بلکه به عنوان انجمن میپرسم آیا برای این گروه که میگوئید یک زندگی متوسط در نقاط دور فراهم می کنید ؟ ... اگر اینطور است که آنها ، اشتباه می کنند نمیروند . ولی این را هم بگویم در بررسی ای که انجمن کرده است مشاهده کردیم اکثر مردم میخواهند فرزندانشان دکتر یا مهندس شوند و فکر احتیاج کشور را نمی کنند نکته دیگر اینکه متأسفانه در دانشگاهها هم



دانشجویانی مشاهده می شوند که نمیدانند چه میخواهند . اگر صد صفحه درس بدهی میگویند زیاد است ، و هشتاد صفحه درس بدهی . اگر ۸۰ صفحه درس بدهی میگویند ۹۰ صفحه و .... اگر حرف بزنی ، میگویند چرا حرف میزنی ، اگر حرف نزنی ، میگویند چرا حرف نمیزنی ؟ ...

خانم برجیس ( دانشجو ) بی علاقه ای استادان را بکار تدریس عنوان کرد . و گفت : عده ای فقط بخاطر پول درس میدهند وعده ای هم متأسفانه آنگونه که باید ، وارد نیستند . خانم امیری ( دانشجو ) در تأیید سخنان خانم برجیس گفتند : استاد میتواند نقش

بهمی در زندگی دانشجو داشته باشد . اگر استادی به رشته خود علاقه مند بود و با شوق و ذوق تدریس کرد ، مسلماً بدانشجو تأثیر می گذارد و دانشجو هم به شوق می آید .

در این جلسه ، چند تن از دانشجویان ، از موادی از دروس دانشکده خود ایراد گرفتند و عنوان کردند که این مواد برای ما لزومی ندارد . اما آقای دکتر حداد در پاسخ این گروه اظهار داشتند : اینکه استاد بعضی از دروس را خوب درس نمیدهد و وسایل ندارد ، با آنکه اصولاً این دروس لازم نیستند ، دو مطلب جدای از یکدیگر است . در آمریکا هم تمام دانشجویان در هر رشته ای باید یک دوره عملی را

بخوانند . حتی اگر بخواهند رشته پزشکی بخوانند، ناکزیرند تاریخ تمدن امریکا را مطالعه کنند

خانم دکتر آصفی نیز در این زمینه گفتند یک ایرانی تحصیلکرده باید از تحولاتی که در طول تاریخ حیات کشورش انجام شده ، آگاه باشد ، اینها با زندگی ما آمیخته است . آقای دکتر عطیمی ، با ابراز خوشوقتی از مسائلی که در این جلسه مطرح شد ، گفتند: واقعاً مایه خوشبختی است وقتی می بینیم ده سال پیش ۲۸ مؤسسه عالی داشته ایم و امروز ۱۹۰ مؤسسه عالی داریم . شاید همین امر موجب شده که بعلت کمبود استاد ، هر کس را هم که واقعاً در حد استادی نبوده ، به عنوان استاد آورده ایم مشغول تدریس کرده ایم و در نتیجه جذب و انجذاب ازین رفت . ما واحد علمی و دانشجو زیاد کرده ایم ، اما استاد پرورش نداده ایم یک استاد که واقعاً استاد باشد ، تاریخ تمدن و زبان فارسی را به بهترین وجد میتواند تدریس کند ، بطوریکه همه دانشجویان با سلیقه ها و استعداد های مختلف به این دروس هم علاقه مند شوند . مسأله دیگر اینکه

درست است ما باید افرادی را برای رشته های مختلف تعلیم بدهیم اما باید تعدادی را پرورش دهیم که احتیاج داریم و آنان را هم تأمین کنیم . هیچ دقت کرده اید که در دانشگاه آریامهر چنین مشکلاتی نیست و علاقه مندی دانشجو بیشتر است و ... دلیلش اینست که در دانشکده های دیگر دانشجو آنچه را که آمده بخرد ، پیدا نمی کند بنظر من وزارت علوم و آموزش عالی باید برای تعلیم استاد ، کتابهای درسی ، و مفید بودن رشته های تحصیلی و هدف ، اقدام کند و تعداد محدودی دانشجو که میتواند ممالکت جذب کند ، پرورش یابد .

در اینجا آقای دکتر برهان منش از علاقه عموم جوانان که پس از گذراندن دیپارتمان میخواهند وارد دانشگاه شوند سخن رانده و اظهار داشتند - اما عجیب اینست که همین جوانان وقتی وارد دانشگاه می شوند ، میگویند چرا دانشجو زیاد می پذیرد ، کمتر قبول کنید ؟ . آقای فتح اله محمدی ، از اینکه بین جوانان گرایشی برای گرفتن مدرک ویی توجهی به دانش پیدا شده ، ابراز تأسف کردند و گناه این امر را هم متوجه مقررات استخدام کشوری دانستند

بقیه در صفحه ۴۲



## همیز گرد استاد و دانشجو

انتظارات خانواده

و اولیای مدارس از

یکدیگر

آقای دکتر شکوهی با دانشجویانی که واقعاً علاقمند درشان باشند کم است، گفتند علت مهم پیدایش این حالت آنستکه دانشجو، دردانشکده‌ای که استعداد آموختن دروس آنرا دارد بان و علاقه‌مند است، سردر نمی‌آورد. اگر علاقه‌مند به‌حق باشد خود را در دانشکده ادبیات می‌بیند، و اگر به پزشکی در دانشکده علوم پذیرفته می‌شود. به‌رحال با اشتیاق بدان‌شکده می‌رود، اما وقتی چشم باز می‌کند، متوجه می‌شود در بهشتی که خوابش را می‌دید، نیست آنوقت این دانشجو درس نمی‌خواند، مدرک می‌خواهد و در نتیجه هم استاد نسبت با او بی‌علاقه می‌شود و هم دانشجو

نسبت با استاد و درس. مسلماً قسمتی از این دلزدگی، معلول همین علت است، و این را در نظر بگیریم که کنکور اصلاً شاید درست نباشد زیرا وقتی به جوانی دیپلم دادید، معلومست که درس خوانده است پس باید فقط دید که او استعداد و علاقه بکدام دانشکده را دارد.

آقای دکتر اخوت گفتند:

خوشبختانه شاهنشاه آریاسه‌رامر فرموده‌اند که در دانشگاه یک مرکز سنجش استعدادها تشکیل شود، با تشکیل این مرکز، انشاءاله این مشکل حل خواهد شد.

آقای دکتر عظیمی در تأیید

سخنان آقای دکتر شکوهی پیشنهاد کردند حداقل در عموم دانشگاهها به دانشجویان اجازه

داده شود که لااقل یکبار تغییر رشته بدهند.

سخنرانان دیگر جلسه نیز،

با بررسی وسیع خود باین نتیجه رسیدند که یکی از علل بی‌علاقگی دانشجویان به محیط آموزشی، همانست که متأسفانه اغلب در رشته موردعلاقه‌شان تحصیل نمی‌کنند، و علت مهم دیگر، عدم استادکار آزموده در حد کفایت آقای دکتر حدادان در پایان، پس از تأیید این مهم اظهار داشتند که خوشبختانه وزارت علوم و آموزش عالی متوجه این نقص بوده است، و از سال گذشته گروههایی را برای تکمیل معلومات و آمادگی تدریس در دانشگاهها بخارج اعزام داشته است و این برنامه ادامه خواهد داشت تا نقص موجود رفع گردد